

بیژن چنگی چنین می نویسد:
«خط مشی گروه، همانطور که گفته شد
گروه از یکپارچگی و وحدت برخوردار نبود
و محفل ها و جریان های سه گانه تمایلات
خود را کم و بیش در گروه حفظ کرده بودند.
در اوایل سال ۱۳۴۸، رضوان جعفری و ستوده

احزاب سیاسی ایران

از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۳ تا انقلاب ۱۳۵۷

محمود تقی‌سی

ابوزیسیون و احزاب و سازمان ها و گروه های مخالف رژیم شاه

و بطرحانی به افغانستان می روند تا از این طریق به چین رفته و امکانات تسليحاتی را از آن جا فراهم کنند. جعفری در افغانستان با نشریه «پرچم» که طرفدار چین بود و ارگان یک جریان سیاسی به حساب می آمد، همکاری می کند ولی از جانب سفارت چین هیچ گونه کمک و همکاری و راهنمایی به او نمی شود و مراجعه اش به این سفارتخانه بدون نتیجه می ماند و به ایران باز می گردد. بعد گروه تصمیم می گیرد افرادی را به فلسطین اعزام کند و از همین جا گروه نام فلسطین را به خود می گیرد. در این موقع که گروه تمایلاتی قهرامیز داشت، هنوز خط مشی روشنی برای پیاده کردن آن نداشت. گرچه گروه در این زمان به جنگ چریکی در روستا و عملیات شهری توجه داشت ولی برنامه دقیق و روشنی در این مورد وجود نداشت و گروه در صدد یافتن منطقه ای بود که بتواند در آن جا افراد خود را تحت تعلیم نظامی قرار دهد. بعد از نومیدی از چین، فلسطین می توانست چنین منطقه ای محسوب شود.

نحوه لو رفتن گروه - در نیمة دوم سال ۱۳۴۸، احمد صبوری برای تحقیق درباره امکان خروج افراد از ایران و رفتن به فلسطین، به عراق رفت و در آن جا با بختیار ملاقاتی کرد. در این ملاقات، بختیار

داریوش فروهر پیوست. وی در سال ۱۳۴۴ به دلیل ارتباط با رادیو پیک ایران چند ماهی به زندان افتاد و پس از آزادی از زندان به تدریج از حزب ملت ایران و داریوش فروهر فاصله گرفت و در همین دوران بود که با عده ای از عناصر فعال سیاسی که تعداد عده ای از آن ها دانشجو بودند، همچون حسین ریاحی، رضوان جعفری، ناصر کاخسار، بهروز ستوده و مسعود بطحائی (که این آخرين دانشجو نبود)، ارتباطات منظمی برقرار کرد. علاوه بر این، گروه در طی سال های ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ به تدریج حالت گروهی فعال را به خود گرفت، از جمله در جریان فوت جهان پهلوان غلامرضا تختی تظاهراتی را بپیا کرد. دو گروه دیگر نیز در این سال ها به صورت مستقل از یکدیگر، به فعالیت مشغول بودند: بهرام شالگونی، ابراهیم آذربایی نژاد، هدایت الله سلطان زاده، از جمله افراد یک گروه و احمد صبوری، نواب بوشهری، سلامت رنجبر و محمد معزز از جمله اعضای گروه دیگر بودند. این سه گروه به تدریج به یکدیگر نزدیک شدند و تا زمان دستگیری اکثریت اعضای آن، در نیمة دوم سال ۱۳۴۸ و اوایل سال ۱۳۴۹، به تنظیم روابط مطالعات سیاسی و طراحی برنامه هایی برای آینده پرداختند. درباره «خط مشی گروه» و نحوه دستگیری آن ها

گروه فلسطین

در تاریخ هفتم دی ماه ۱۳۴۹، روزنامه اطلاعات طی خبری نوشت که به قرار اطلاع جلسات محاکمه اعضای شبکه خرابکاری بختیار که ۲۵ نفر هستند، همچنین ۲۰ نفر از اعضای شبکه های حزب منحله تode در دادگاه ارتش شروع شده است و علی رغم آنکه تا آن زمان هیچ خبری از جلسات دادگاه و همچنین محتوای آن منتشر نشده بود، اعلام داشت که جلسات دادگاه طبق معمول علنی است. این روزنامه، روز هشتم دی ماه نیز ذیل تیتر «محاکمه اعضای شبکه خرابکاری بختیار»، اخباری از جلسه پنجم دادگاهی که در آن ۱۸ تن در حال محاکمه بودند، به چاپ رسانید.

گروهی که در آن جلسات تحت محاکمه قرار داشت، علی رغم روابط و مناسبات تشکیلاتی، تا زمان دستگیری نامی برخود نگذاشتند بود ولی بعدها به دلیل آنکه تعدادی از اعضا این به هنگام اعزام به فلسطین دستگیر شده بودند به گروه فلسطین شهرت یافت. از اعضای این گروه، شکرالله پاک نژاد، ناصر کاخسار و حسین ریاحی معروف به «پویا» از دیگران معروف نبودند. شکرالله پاک نژاد از اهالی درفول بود که در سال ۱۳۳۹ به حزب ملت ایران به وہبی



شکرالله پاک نژاد در دادگاه و میان دو وکیل تسبیری پرونده گروه فلسطین. نفر اول سمت راست عکس، سروان بازنشسته اوثش، "قواس" براذر حسین قواس خواننده موسیقی ایرانی است که به دلیل دفاعش به سود پاک نژاد دیگر اجازه وکالت تسبیری در دادگاه های نظامی نیافت.

قصد یافتن آمادگی رژیم جهت ادامه مبارزه در ایران، قصد سفر به لبنان و اردوگاه های فلسطینی را داشتند. پاک نژاد در ضمن در دادگاه گفت که: «بالاخره در همان جریان مبارزه اجتماعی، پس از مطالعه زیاد، پس از تفکر زیاد، پس از بارها توقيف و زندان و کسب تجربیات زیاد، در عمل به این نتیجه رسیدم که سعادت ملت ایران و آزادی تمام بشریت تنها در سایه هارکسیسم-لینینیسم یعنی ایدئولوژی محرومترین مردم قابل وصول است.»^(۲)

پاک نژاد در دفاعیات خود خط بطلانی بر روی اتهامات هر نوع همکاری این گروه با بختیار کشید. وی در این رابطه در دادگاه تجدیدنظر گفت: «در پرونده، هیچ کلمه ای در مورد بختار جلاد موجود نیست. دولت بیش از یک سال پس از دستگیری ما تصمیم گرفت ما را به این زبال ارتقائی بچسباند» پاک نژاد هدف این دادگاه را که آزادی خواهان را به عنوان قاتل جهانی محکمه

دفاعیات شکرالله پاک نژاد و مسعود بطحانی در دادگاه، در خارج منتشر شد. پاک نژاد ضمن حمله به رژیم و افساگری درباره شیوه های ساواک و شکنجه های زندانیان به دفاع از ارمان های مبارزاتی خود، و مسعود بطحانی نیز به دفاع ایدئولوژیک پرداخته بودند پس از انتشار این دفاعیات، پاک نژاد تحت فشار شدید قرار گرفت و شکنجه های بسیاری را تحمل نمود. مقاومت و ایستادگی پاک نژاد در برابر شکنجه های قرون وسطانی رژیم، جایگاه ویژه ای را برای او در میان مبارزان به همراه آورد.

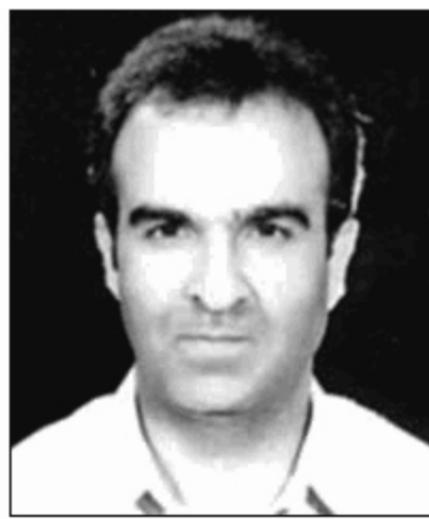
پخش گوشش هایی از دفاعیات برشی از آنها مانند پاک نژاد، کاخسار و شالگونی باعث شهرت گروه در بین جوانان و دانشجویان در خارج و داخل ایران شد. بعد از محاکمه پاک نژاد و کاخسار، بطحانی و شالگونی به حبس ابد و بقیه بین ۳ تا ۱۵ سال زندان محکوم شدند. اعضای گروه، آن طور که پاک نژاد در دفاعیات خود مطرح کرد، به

از وضع ایران جویا شد و راه های نیز برای خروج افراد در نظر گرفته شد. اما این راه ها زیر کنترل پلیس بود و این افراد که قصد خروج داشتند به دام افتادند. روز رسیدن این افراد به عراق به دست پلیس افتاد و پلیس با ارسال آن برای بقیه، چهار دسته را به دام انداخت. آخرین دسته که عبارت بودند از حسین ریاحی، رضوان جعفری و بهروز ستوده، متوجه خطر شدند و راه دیگری را برای خروج در پیش گرفتند. این سه نفر در عراق با دیگر مهاجران همکاری کرده و در اداره صدای فارسی رادیو بغداد شروع به کار کردند. از بازداشت شدگان در موز تحقیقاتی انجام گرفت و سی و چند تن بازداشت شدند که ۱۸ نفر آنها در دی ماه ۱۳۴۹ محاکمه شدند.^(۱)

از میان اعضا این گروه، هاشم سگوند، نواب بوشهری و فرشید جمالی پس از چندی از زندان آزاد شدند ولی مابقی در زندان ماندند. پس از گذشت چندی،

که دکتر مصدق، رهبر ملی ایران را بیش از ۱۲ سال در زمان رضاشاه و بیش از ۱۴ سال پس از کودتای ۲۸ مرداد، زندانی گرده و پس از مرگ وی در زندان، حتی از تشییع جنازه او هم جلوگیری به عمل آورد این همان ارتقی است که خسرو روزن، مظہر چنین ارتقی است که خسرو روزن، مظہر همان ارتقی است که خسرو روزن، مظہر چنین اتفاقی ایران را تبریزیان گرد خون وارطان ها، سماک ها، بشري ها، ناطمی ها، کریم پور شهروزی ها و ... هزاران شهید دیگر، به دستور امپریالیست ها و به حکم همین دادگاه های ارتقی ریخت شده است. ارتقی ایران به دست مستشاران امریکائی و الکلیوس و اسراتیل اخراج من شود افسران زینه ارتقی، دوره های تعلیماتی عالیه خود را پایگاه های نظایر امریکا و الکلیوس من گذاشت. دستگاه سواک و خد اطلاعات ارتقی بطور کل به وسیله مستشاران امریکائی اخراج من شود. چنین ارتقی، جز در هم گویدن قیام های اراده خواهان و استقلال طبلانه مردم، جز به خون کشیدن هرگونه چنین که هدف ان ارادی ایران از نوع امپریالیسم باشد، جز بازداشت، جیس، شکنجه، محاکمه و محکوم کردن آزادی خواهان ایران رسالتی ندارد. در چنین شرایطی که چنین ارتقی با در چنین روشی حاکم بر سرنوشت مردم است، در چنین اوضاعی که دستگاه سواک، وزیر دیکتاتوری فردی، ابتدائی ترین ارادی های مردم را از بین بود و هیچ گونه خبری از تلفون و اجرای حقوق پیش در آن نیست، مردم ایران برای حفظ حقوق خود هیچ راهی جز تسلیم به زور ندارند اعلامیه حقوق پیش بطور صریح به انسان ها حق داده است که در مورد حکومت هایی که از تامن امنیت روحی و جسمی و فضای انسانی افراد جامده خودداری می کنند، شک و توهید به خود راه نداده و به اینجا نقض الدام کنند که جیش و مقام انسانی افراد جامده را تامن

لایخوف و شایشال روسی، مجلس را به توب بست و مشروطه خواهان را تار و مار گرفت همان ارتقی است که در محاکمه پاغتماده افرادی نظیر ملک المتکلین و صور اسرافیل و ده ها آزادیخواه دیگر را محاکمه و اعدام گرد همان ارتقی است که در سال ۱۹۹۶، به دستور الکلیوس، کودتای سوم استفتاد را به راه الداخت و دیکتاتوری ۲۰ ساله را برقرار کرد این همان ارتقی است که قیام های خد استعماری خیابانی، کشل محمد تقی خان پسنان و میرزا کوچک خان را میرکوب نموده و همان ارتقی است که انتقام شهربور ۲۰

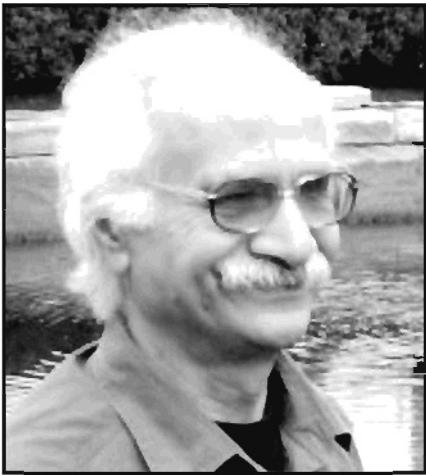


ذکرالله پاک زاده

روزه دیکتاتوری ایران می خواهد با اعمال روش های قتلیش عقاید قرون وسطائی و سلب هرگونه آزادی، میتوان مارا به صورت یک قبرستان در آورده و در هین حالت آرامش ناشی از رُعب و وحشت را به هنوان آرامش ناشی از امنیت و رفاه معرفی کند ولی فاصل از این است که هیچ کس به هدف خود خواهد داشت. ذکرالله پاک زاده

می گند، چنین ایواز داشتند دهن و صدها جوان مبارزه دیگر راه آزادی، نظیر گساتی که در این جلسه در ردیف متهمین نشسته اند و بطور مسلم از نظر آزادی خواهان ایران و جهان باعت انتخاب را هستند، به نظر این دستگاه چنانی هستیم که با سجارات های چنانی محاکمه می شویم(۲)

سرالباجم شکرالله پاک زاده دفاعیه خود را چنین بیان داد که اولین گروه هستیم که به همراه مبارزه با امپریالیسم و آزادی خواهی در دادگاه های ارتقی ایران محاکمه می شویم و نه افرین آن ها. ارتقی که شما درجه های افسوسی اش را بر دوش دارید ده ها سال است که وسیله سرکوبی ازادی خواهان و روشنگری ایران بوده و به عنوان چهارم استعمار بر علیه ایران به لار رفته است. این ارتقی همان ارتقی فرق است که به فرمان محمدعلی شاه به دهبری



ناصر کاسبار

از اینکه ما، خود چه حرف‌ها و انتقاداتی داشتیم و هنوز مجال مطرح کودن آن را با حزب نیافته بودیم! از آن میان محمدرضا شالگونی، بهرام شالگونی، هدایت سلطان زاده، اتزابی، محسن طیبی شبستری، داود صلح دوست و جوان کم سن و سالی به نام «جعفری» نزدیکی و صمیمیت پیشتری نشان می‌دادند. شماری دیگر، که بر پایبندی به «مانوتسه تونگ» تأکید داشتند، هر چند ملاحظه ظاهری را مرعی می‌داشتند، اما این جا و آن جا آتش «حیدری و نعمتی» را بر من افروختند و با تظاهراتی خودنمایانه - البته در حرف - «انقلابیگری» و پیوژه خود سخنان و شعارهایشان از دهانه «تفنگ» بر من خاست و هر کلام و منطق دیگر با لبخندی بزرگوارانه طرد می‌شد. جوابی به

«جوانان وابسته به «گروه فلسطین»، چه از نظر دیدگاه‌های سیاسی و چه به لحاظ خصوصیت‌های شخصی یکدست نبودند، آن‌ها روش و مشی بطور کامل متفاوتی داشتند. آن‌ها که در زندان شماره چهار بودند تا پیش از رفتن به دادگاه به ظاهر یکسان می‌نمودند و گروه یگانه‌ای را تشکیل می‌دادند و قرار بود تا روشن شدن محکومیت‌ها همچنان گروهی مستقل و جداگانه باشند و از پیوستن به جمع ما خودداری کنند. تصور می‌شد اتخاذ چنین روشی در میزان محکومیت آنها مؤثر خواهد بود. از همان نخستین روزهای آشنازی، تمایزات عقیدتی و شخصیتی بسیاری از آن‌ها آشکار شد. شماری از آنان آشکارا نسبت به جمع ما پویزه شش افسر تode‌ای، گوایش خاصی داشتند و به زودی روابطی نزدیک و دوستاله با آنان برقرار کردند. از خود و دوستانشان گفتند، از هموهانی که به زندان شماره سه منتقل شده بودند؛ و از آنان که موفق به خروج از کشور شده بودند. اینان جوانانی بودند صمیمی، پرشور و با محبت و در حالی که «مانوئیسم» را رد می‌کردند، نسبت به «خروفسیسم» - اصطلاحی که آنان به کار می‌بردند - هم ایراداتی داشتند. با انتقادات آشنا و جاری، با حزب تode‌ای ایران و تاریخ گذشته آن آشنا بودند و با احتیاط و نوعی ملاحظه به آن گزیز می‌زدند، غافل

کند. تاریخ این واقعیت را به هزار صورت ثابت کرده است که عدالت و حق همیشه به زور گرفته شده است. اصولاً حق گرفتی است نه دادنی. یا ظالم باید ظلم نکند و یا مظلوم تحمل ظلم را ننماید. شق ثالث وجود ندارد. ظالم به میل خود دست از اعمال ظلم برو نمی‌دارد، بلکه همیشه مظلوم است که سرانجام از قبول ظلم سر باز می‌زند. رژیم دیکتاتوری ایران می‌خواهد با اعمال روش‌های تنبیش عقاید قرون وسطائی و سلب هرگونه ازادی، میهن‌ها را به صورت یک قبرستان در آورده و در عین حال آرامش ناشی از رُعب و وحشت را به عنوان آرامش ناشی از امنیت و رفاه معرفی کند ولی غافل از این است که هیچ‌گاه به هدف خود نخواهد رسید. علیرغم این همه فشار و اعمال روش‌های غیر انسانی، علیرغم رفتار وحشیانه مامورین سواک، علیرغم حضور رژیم ترور و اختناق و علیرغم کوشش‌های دستگاه جبار برای برای از بین بردن هرگونه صدای ازادی خواهی، مبارزه مردم ایران برای کسب ازادی، برای گستاخانه زنجیرهای بودگی، برای قطع دست امپریالیست‌های غربی و دست نشاندگان ایرانی آن ادامه دارد و این مبارزه تا پیروزی نهانی ادامه خواهد یافت. (۴) محمدعلی عمومی در خاطرات خود، درباره این گروه چنین نوشت: «

ماهواره بین‌المللی
INTERNATIONAL SATELLITE

برای خرید و نصب :

دیش و رسیورهای ۲۴ ساعته ایرانی

با تلفن زیر تماس بگیرید.

۷۱۳-۷۷۱-۱۱۰۴ خسرو

استخدام

به فانم میان سالی
جهت همکاری در امور منزل
و هم نشیانی با هادرم نیازمند

281-620-3444

بودند و هر از گاه از گوشش قطروانی خون جاری می شد. همراه دیگر دوستانش: شالگونی، صلح دوست، سلطان زاده و طبیعی که در بند ما بودند با سربلندی احکام بیدادگاه نظامی را پذیرا شدند، آنان دیگر مالعی در پیوستن به جمع ما نمی دیدند. در همان زمان پذیرش احمد صبوری با مخالفت اکثریت رویه رو شده بود.^(۵)

«گروه فلسطینی»، با اینکه سرکوب شد و اکثر افرادش در زندان، در زیر شکنجه و عذاب ناقص الاعضاء شدند ولیکن دفاعیات دلاورانه آنها الهام بخش مبارزات میهن پرستان ایران در درازنای سال های بعدی شد. «پاک نژاد» هم بعد از سال ها شکنجه، در جریان انقلاب بهمن ۱۳۵۷ توسط مردم از زندان آزاد شد.

پانویس:

- ۱- پیزن جزئی، تاریخ می ساله ایران، جلد دوم، تهران، پیانا، ص ۱۳۴
- ۲- «آخرین دفعه گروه فلسطین در دادگاه نظامی»، از انتشارات کنفرانسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی)، ص ۶۴
- ۳- همان «آخرین دفعه ...»، ص ۵۳
- ۴- همان «آخرین دفعه ...»، ص ۶۷ و ۶۸
- ۵- «دزد زمانه» محمدعلی صموئی، چاپ دوم، تابستان ۱۳۷۷، انتشارات آتزان، ص ۲۷۸ تا ۲۸۰

صبح به دادگاه می رفتند و عصر به زندان باز می گشتند. آنچه دیده و شنیده بودند و آنچه دادستان عليه آن ها گفته بود و نیز سخنانی که آنان در مقام دفاع از خود گفته بودند را با ما در میان می نهادند. در یکی از جلسات که به دادگاه رفته بودند، صبوری به زندان بازگشت و پس از چند روز سر و کله اش در تلویزیون هوایا شد، پاک نژاد و دیگر دوستانش در دادگاه با سربلندی از راه و آرمان خویش دفاع کردند. صبوری (احمد مانو)، به سه سال و سایرین به محکومیت های سنگین ده-پانزده سال و زندان ابد محکوم شدند. صبوری دستمزدش را گرفته بود، اما روی بازگشت به بند و رو در رو شدن با دوستانش را نداشت. شرکت در مصاحبه و ابراز ارزش‌گار، داوطلبانه و بنا به درخواست متهم بود. از این رو اقدام صبوری از نظر زندانیان تسلیم به دشمن و شانه خالی کردن از مسؤولیت تلقی می شد. هر چند اکثر جوانانی که با او به دادگاه رفته اند از او کم ادعائی و ظاهرآ کم سابقه تر بودند اما در دفاع از خود و شوف مبارزاتی شان کوتاهی نکردند. دفاعیات پاک نژاد به خارج از دادگاه درسته نظامی راه یافت و در مقیاس وسیعی تکثیر شد. کاخساز با وجود عارضه سردد دامنی - هدیه ای که بازجویان به او ارزانی داشته

نام احمد صبوری، مرشد اینان بود که نه تنها در گفتار که در هیأت ظاهری و شیوه لباس پوشی نیز یاداور افراد «گارد سرخ» بود: بلوزی یقه بسته با رنگی تیره او را در بین نزدیکانش ملقب به «احمد مانو» کرده بود و ظاهرآ او نیز آن لقب را به ریش گرفته بود. کسانی با نام های رکنی، هجابی، سجادی، معزز و دیگران در رفتار و گفتار با او شریک بودند. شمار بیشتری از جوانان تازه وارد پیش از آنکه در فکر مواضع سیاسی و ابراز تعاملی به این یا آن دیدگاه باشند، در غم دادگاه و نگران سرنوشت خود بودند. نه در زمرة شالگونی و دوستانش بودند و نه رابطه ای با صبوری و تظاهرات افراطی او داشتند. اینان جوانان سالم و بی ریاضی بودند که هنوز راهی را نبیموده، به دام افتاده بودند. مشهود بود که اکثر آنها واحد صلاحیت هستند و دارای ظرفیت مبارزه اما خوددار بودند و می خواستند تا آن جا که ممکن است عمر زندانیان کوتاه باشد. روشن است که چنین تاکتیکی می تواند حتی شخص را تا سوادیب سقوط (اما ناخواسته و به دنبال محاسبه ای تادرست و ساده لوحانه) هم بکشاند. خوشبختانه اکثر افراد این گروه با محکومیت های سبک رو به رو شدند و همان گونه که می خواستند زندانیان کوتاه مدت بود و به زودی آزاد شدند. دو گروه دیگر اما با پرونده هایی سنگین تر راهی دادگاه شدند و همراه دیگر دوستانی که در بند شماره ۳ بودند (شکرالله پاک نژاد، بطحانی و دیگران)، ابتدا برای قرائت پرونده، و سپس برای دادرسی به دادگاه نظامی اعزام شدند. صبوری متهم ردیف یک بود و پس از او به ترتیب پاک نژاد، بطحانی و کاخساز بودند. گروهی ده، دوازده نفری، از هر دو زندان،

فرآورده‌های بهداشتی و آرایشی

دکتر گلشاهی
در هوستن

برای در یافت فرآورده‌های
Cosmetic Anti-Age

با من Olga Flores

10 Glycolic Acid Facial Cream • Moisturizing Cream
Skin Rejuvenation Cream

832-878-4984

www.dgolshahi.com